

حکومت دینی و حقوق بشر

مهر فولادی

۱۳۹۸

www.ketab.ir

ISBN:978-964-214-199-9

Islam and state

Human rights

Human rights -- Religious aspects -- Islam

فولادی، محمد / حقوق بشر و حکومت دینی - ۱۳۴۰ - انتشارات فولادی

تهران: نشر کور، ۱۳۹۸

۲۳۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م

اسلام و دولت

حقوق بشر

اسلام - جنبه‌های مذهبی - اسلام

حقوق بشر -- جنبه‌های مذهبی - اسلام

رده بندی ۵: ۱۳۹۷ و ۷۱۳۲۸ ۱۳۹۷ BP۳۳۱/۱

رده بندی دیوید: ۱۳۳۱/۱۳۳۲

شماره کتابخانه: ۵۴۷۷۸۵۳۳



انتشارات کویر

حکمت دینی و حقوق بشر

مفیدی

طراح جلد: سعید زاشکانی • امور فنی و مجه‌آرایی: انتشارات کویر

چاپ و صحافی: غزال • شمارگان: ۵۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۸

شابک: 9-978-964-214-199-9 ISBN: 978-964-214-199-9 قیمت: ۳۰۰۰ تومان

mail: kavirbook@gmail.com

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شمار ۲۰، پست‌مان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

پیشگفتار.....	۱۳
فصل اول - طرح مسئله و تبیین مفاهیم.....	۱۷
مبحث اول: طرح مسئله: حکومت دینی و ضرورت پرداختن به آن.....	۱۹
گفتار اول: تبیین مفاهیم.....	۲۱
بند الف: حکومت (زامانداری).....	۲۱
بند ب: دولت.....	۲۲
بند ج: قدرت.....	۲۲
بند د: اقتدار.....	۲۲
بند ه: مشروعیت.....	۲۲
بندی: حکومت دینی (در اسلام).....	۲۳
مبحث دوم: تبیین تفصیلی مفاهیم کلیدی.....	۲۴
گفتار اول: تعریف حکومت و ضرورت آن.....	۲۴
بند الف: نظریه طبیعی.....	۲۷
بند ب: نظریه زور.....	۲۸
بند ج: نظریه قرارداد اجتماعی.....	۲۹
گفتار دوم: متفکران مسلمان.....	۳۴
گفتار سوم: دولت.....	۴۱
گفتار چهارم: قدرت و اقتدار.....	۴۳
بند الف: قدرت.....	۴۳
بند ب: چهار فرضیه در رابطه با قدرت.....	۴۵
بند ج: ارتباط قدرت و مشروعیت.....	۴۶
بند د: توزیع قدرت.....	۴۶
بند ه: اقتدار.....	۴۹
بندی: سه تفاوت برای قدرت و اقتدار.....	۵۰
گفتار پنجم: مشروعیت.....	۵۰
بند الف: تعریف مشروعیت.....	۵۱
بند ب: زور و غلبه.....	۵۴
بند ج: حق طبیعی و فطری.....	۵۵

بند د: سنی	۵۵
بند ه: قرارداد و رضایت عمومی	۵۵
بند ی: الوهی و کاربرمایی	۵۶
مبحث سوم: انواع حکومت‌ها	۶۱
گفتار اول: دوران باستان	۶۱
گفتار دوم: انواع حکومت‌ها با توجه به معیارهای چهارگانه	۶۳
بند الف: تقسیم سه‌گانه حکومت‌ها بر اساس تعداد حاکمان	۶۳
ارزیابی سیستم جمهوری	۶۴
بند ب: طبقه‌بندی حکومت‌ها به تمرکز و فدرال	۶۴
الف: حکومت متمرکز	۶۵
ب: حکومت فدرال	۶۵
بند ج: حکومت‌ها بر حسب مشارکت شهروندان	۶۵
الف: حکومت توتالتر	۶۵
ب: حکومت سوکراسی	۶۶
گفتار سوم: طبقه‌بندی حکومت‌ها بر حسب بهانه‌ها	۶۶
بند الف: حکومت الهی	۶۶
بند ب: حکومت طاغوتی	۶۶
بند ج: دسته‌بندی‌های دیگر	۶۷
بند د: تقسیم حکومت‌ها از نظر منتسکیو	۶۷

فصل دوم - حکومت دینی و مشروعیت آن

مبحث اول: حکومت دینی	۷۱
گفتار اول: یهود	۷۳
گفتار دوم: مسیحیت	۷۴
مبحث دوم: حکومت در اسلام	۷۷
گفتار اول: مفهوم دولت اسلامی	۷۸
گفتار دوم: تفاوت دولت دینی و دولت سکولار	۸۰
نتیجه‌گیری از مفهوم دولت دینی اسلامی	۸۲
مبحث سوم: مشروعیت حکومت اسلامی نزد شیعه و سنی	۸۳
گفتار اول: مشروعیت اولیه	۸۳
بند الف: شرایط مشروعیت در نزد اهل سنت	۸۳

۸۳	الف) قریبی بودن.....
۸۳	ب) اجتهاد.....
۸۴	ج) عدالت.....
۸۴	د) کفایت و تدبیر.....
۸۴	بند ب: مشروعیت نزد شیعه.....
۸۴	الف) نصب الهی.....
۸۴	ب) علم لدنی: امام معصوم باید علم لدنی داشته باشد.....
۸۴	ج) عصمت.....
۸۵	گفتار دوم: مشروعیت ثانویه.....
۸۶	مدرکین اصول اساسی مردم سالاری.....
۸۶	الف: بنا بر.....
۸۶	ب) آزادی.....
۸۶	ج: حکایت.....
۸۷	د: مشارکت رضایت عمر.....
۸۷	ه: قانون گرایی و قانون اساسی.....
۸۸	مبحث چهارم: نظریه های دولت در فقه شیعه.....
۸۸	گفتار اول: مشروعیت الهی.....
۸۸	بند الف: نظریه های دولت مبتنی بر مشروعیت الهی بلا واسطه.....
۸۸	گفتار دوم: مشروعیت الهی مردمی.....
۸۸	بند الف: نظریه های دولت مبتنی بر مشروعیت الهی واسطه ای.....
۹۰	گفتار سوم: نظریه ولایت انتصابی فقیهان در امور حسیه و سلطنت ممالک در عر فیات.....
۹۶	گفتار چهارم: نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان و ولایت انتصابی مطلقه فقیهان.....
۹۸	بند الف: رکن اول: ولایت.....
۱۰۰	بند ب: رکن دوم: انتصاب.....
۱۰۰	بند ج: رکن سوم: فقا هت.....
۱۰۷	بند د: رکن چهارم: قلمرو ولایت.....
۱۰۸	بند ه: خلاصه ولایت انتصابی عامه فقیهان.....
۱۰۹	بند ی: ولایت انتصابی مطلقه فقیهان در یک جمله.....
۱۰۹	گفتار پنجم: نظریه ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید.....
۱۰۹	گفتار ششم: نظریه دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقیهان).....
۱۱۰	گفتار هفتم: نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت.....

- نظریه اول: حکومت انتخابی بر اساس شورا..... ۱۱۰
- نظریه دوم: ولایت انتصابی عامه فقیهان..... ۱۱۱
- نظریه سوم: خلافت مردم با نظارت مرجعیت..... ۱۱۱
- گفتار هشتم: نظریه ولایت انتخابی مقیده فقیه..... ۱۱۲
- گفتار نهم: نظریه دولت انتخابی اسلامی..... ۱۲۱
- گفتار دهم: نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع..... ۱۲۳
- گفتار یازدهم: جایگاه دین و فقه در سیاست..... ۱۲۶
- گفتار دوازدهم: نظریه حکومت دموکراتیک دینی..... ۱۲۷
- مبحث پنجم: نگاه اهل سنت..... ۱۳۱
- گفتار اول: ماهیت خلافت..... ۱۳۱
- بند الف: راه‌ها و اصول سنت برای تعیین خلیفه..... ۱۳۳
- بند ب: وظائف و اختیارات خلیفه..... ۱۳۳
- گفتار دوم: اقدامات سلاطین اهل سنت..... ۱۳۴
- بند الف: سلسله جنبانان تجدید..... ۱۳۵
- ۱ و ۲. سید جمال الدین..... بادی شیخ محمد عبده..... ۱۳۵
۳. سید عبدالرحمن کواکبی..... ۱۳۶
۴. محمدرشید رضا (قاهره ۱۹۳۵ - لبنان ۱۹۶۵)..... ۱۳۶
۵. علی عبدالرازق مصری (۱۸۸۸ تا ۱۹۶۶)..... ۱۳۷

فصل سوم - حقوق بشر..... ۱۴۱

- مبحث اول: حقوق بشر..... ۱۴۳
- گفتار اول: تاریخچه حقوق بشر..... ۱۴۳
- بند الف: اعلامیه استقلال آمریکا..... ۱۴۵
- بند ب: اعلامیه‌های حقوق بشر فرانسه..... ۱۴۶
- بند ج: اعلامیه حقوق بشر و شهروند (۲۶ اوت ۱۷۸۹)..... ۱۴۷
- گفتار دوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸..... ۱۴۷
- مبحث دوم: مفهوم حقوق بشر..... ۱۵۰
- گفتار اول: تعریف حقوق بشر..... ۱۵۰
- بند الف: تعاریف مختلف حقوق بشر..... ۱۵۱
۱. تعریف فلسفی حقوق بشر..... ۱۵۱
۲. تعریف جامعه‌شناسانه حقوق بشر..... ۱۵۱

۱۵۱	۳. تعریف لیبرالیستی حقوق بشر.....
۱۵۲	۴. تعریف حقوق بشر از نگاه دینی.....
۱۵۲	۵. تعریف حقوقی حقوق بشر.....
۱۵۳	گفتار دوم: مبانی نظری حقوق بشر.....
۱۵۳	بند الف: نظریه حقوق طبیعی.....
۱۵۶	بند ب: تعریف نظریه حقوق طبیعی.....
۱۵۷	بند ج: اصول حقوق طبیعی.....
۱۵۸	الف) حق حیات.....
۱۵۸	ب) آزادی.....
۱۵۹	ج) برابری.....
۱۵۹	بند د: نظریه ائتان.....
۱۶۱	گفتار سوم: منابع بین‌المللی حقوق بشر.....
۱۶۲	د) مالکیت.....
۱۶۳	مبحث سوم: نظریات نوین سببی حقوق بشر.....
۱۶۳	گفتار اول: نظریه حقوقی مبتنی بر...الت.....
۱۶۵	گفتار دوم: نظریه حقوقی مبتنی بر...که آمد.....
۱۶۶	گفتار سوم: منابع حقوق بشر.....
۱۶۹	فصل چهارم - حکومت دینی و نسبت آن با حقوق بشر.....
۱۷۱	مبحث اول: اسلام و حقوق بشر.....
۱۷۲	الف: اصل برابری.....
۱۷۴	ب: اصل مسئولیت.....
۱۷۴	ج: اصل همزیستی.....
۱۷۵	گفتار اول: حکومت دینی و حقوق بشر.....
۱۷۶	بند الف: مبنای اول: مشروعیت الهی بی‌واسطه.....
۱۷۷	بند ب: مبنای دوم: مشروعیت الهی - مردمی.....
۱۷۸	گفتار دوم: مشروعیت در نظریه‌های پنج‌گانه.....
۱۷۹	بند الف: ویژگی‌های حقوق بشر.....
۱۸۱	بند ب: عدم مطابقت حکومت دینی با حقوق بشر.....
۱۸۶	در خصوص اصل مساوات.....

پیوست‌ها..... ۱۸۹

پیوست ۱: اعلامیه استقلال آمریکا..... ۱۹۱

پیوست ۲: متن اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹)..... ۱۹۳

پیوست ۳: متن اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸..... ۱۹۶

منابع..... ۲۰۱

فهرست اعلام..... ۲۱۳

پیشگفتار

در دنیای جدید، بحث از حکومت در علوم سیاسی و حقوق عمومی به‌ویژه انواع حکومت‌هایی که در طول تاریخ بشر به وجود آمده یا می‌توانسته به وجود آید، مبحثی متداول و حتی ضروری است؛ و از دیدگاه بینش سیاسی، فلسفی، اجتماعی و دینی درباره آن بحث نظری شده است. قرن‌ها قبل از میلاد مسیح، در یونان باستان، از زمان افلاطون و ارسطو تا دوران تحول در اروپا و انقلاب‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که موجب دگرگونی در همه صحنه‌های زندگی بشر، در فضا و اندیشه آن‌ها از جمله تحول در باورهای مذهبی، سیاسی و اقتصادی شد و دنیای سرنوشت‌آمیز زد، تعریف دیگری از جهان و انسان ارائه شد. نگاه انسان به هستی، خدا، انسان، تسبیح، محنت و نسبت، دین و همه مقولات مربوط به انسان، تغییر و تفسیر جدید پیدا کرد و بدین‌سان معرفت‌های تازه‌ای پدید آمد. فیلسوفانی چون هابز، جان لاک، روسو و کسانی چون ایمانوئل کانت و... ساختن فکری جدیدی را پی‌ریزی کردند. تحول عظیم فکری و فرهنگی که با جنبش‌های آزادی‌خواهی، انسان‌ان و اصلاح دینی در دنیای مسیحیت همراه بود، سبب تجدیدنظر در همه زمینه‌های حیات انسانی شد. این تحولات نه تنها اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی را تغییر داد، بلکه وجه جدیدی در باورهای مذهبی نیز گردید. نوع بینش افراد درباره حکومت‌ها و انتظاراتی که باید از آن داشت تغییر کرد. انسان‌های شهروند، طلبکار دولت‌ها شدند و دولت‌ها در قبال عملکردشان، مسئول و پاسخگو شدند. مردم دیگر خود را رعیت نمی‌دانستند، بلکه حکومت را خدمتگزار، نماینده و وکیل خود دانسته، به دنبال احقاق حقوق خود برآمدند.

از جمله نتایج مهم و سرنوشت‌ساز این تغییرات، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. هرچند عوامل دیگری نظیر تلفات و ویرانی‌های جانی و مالی جنگ‌های جهانی و خاتمان‌سوز اول و دوم، سیاست‌مداران و مصلحان اجتماعی را واداشت تا با پشتوانه نظری ارائه‌شده توسط آن فیلسوفان و متفکران، به تصویب حقوق بشر در نوبت‌های مختلف - از انگلیس و آمریکا تا فرانسه - برای ملت‌های خود اقدام کنند و در نهایت در مجمع عمومی با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به تصویب رسانده و مقبولیت جهانی پیدا کند. در جوامع اسلامی نیز این تغییر و تحول تأثیر خود را بر جای گذاشت؛ نه تنها بر سر سفره آنان نشست که سفره آن‌ها را تغذیه کرده

و ذائقه مسلمانان را تغییر داد و موجب پدید آمدن نگاه‌های جدید در زمینه‌های مختلف شد. این تغییر نگاه امری بدیهی بود، چرا که تأثیر فرهنگ‌ها بر یکدیگر مسلم و انکارناپذیر است. با این حال، مسلمانان نیز از همان آغاز همانند دیگر مردم جهان، برای خود و نظام زندگی نیازمند برخورداری از حکومت بودند. لذا از زمانی که صاحب یک اجتماع مستقل در شهر یثرب (بعداً مدینه الرسول) شدند و تشکیل یک امت - به عنوان پیروان یک مکتب و آیین - دادند، به فکر تشکیل حکومت افتادند. اینجا بود که اولین حکومت اسلامی شکل گرفت. آن‌ها پیامبر خدا - را که شایسته‌ترین فرد در کار زمامداری می‌دانستند، به عنوان حاکم برگزیدند. این انتخاب خدا مسبوق به نوعی وظیفه شرعی و تکلیف دینی و خواه به درایت عقلانی و مصلحت‌اندیشی در احکامات اجتماعی، اتفاق افتاد که رأی نخست ناظر به تعبد، اطاعت پروردگار، وظیفه دینی و به عنوان جزئی از حالت پیامبر (ص) و رأی دوم ناظر به انتخاب و حق تعیین سرنوشت مردم به دست خویشتن است.

مسلمانان بعد از پیامبر (ص) نیز از داشتن حکومت گزیر و گریزی نداشتند؛ تاریخ مسلمانان دربرگیرنده حکومت‌های مختلف بوده است. از خلفای راشدین جانشینان حکومت پیامبر (ص) گرفته تا سلاطین؛ با عناوین گوناگون؛ خلافت، سلطنت، والی، جمهوری و همه با پسوند اسلامی. در هر حال حکومت یکی از مقول‌های مطرح در زندگی و فرهنگ مسلمان بوده و هست و شایسته بحث و گفتگو است.

در ایران اسلامی امروز که انقلاب اسلامی سپیده‌ای به خود آمدن حکومتی با عنوان «جمهوری اسلامی» شده است، همچنان بحث از حکومت دینی لازم و ضروری است؛ انقلابی که به رهبری یک فقیه و مرجع تقلید و به هدایت او و روحانیون مذاهب و فرقه‌ها به سوی رسیدن به حال سؤال اساسی این است که حکومت دینی برآمده از انقلاب، به جهت تنگ بین چه جایگاه و پشتوانه تاریخی و دینی برخوردار است؟ مشروعیت خود را از کجا به دست می‌آورد؟ کم‌وبیش می‌دانیم در چند قرن اخیر، تغییرات شگرفی در همه زمینه‌های انسانی رخ داده است؛ ملت مسلمان و از جمله ما ایرانیان نیز از این تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی رخ داده در جهان بی‌نصیب نبوده‌ایم. بخصوص با ورود افکار و اندیشه‌های سیاسی مغرب زمین

۱. بیان بالا به معنای انکار نقش دیگر اقسام نیست، انقلاب ایران شاید تنها انقلابی هست که همه اقشار و طبقات اجتماعی، در پیروزی آن نقش داشتند، مخصوصاً قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی، روشنفکران و جوانان دانشجوی که در بسیاری از مراحل انقلاب پیش‌تاز بودند. مخصوصاً تأثیر شگرف تفکرات و اندیشه‌های انقلابی مرحوم دکتر علی شریعتی بر اقشار مختلف اجتماعی، حتی روحانیون و طلاب جوان و انقلابی.

به ایران در قرن بیستم، نظام مبتنی بر شریعت فقهی و قدرت سیاسی- اجتماعی فقیهان، تهدید شد. این تهدید به این سبب بود که آن افکار و اعمال حقوق و آزادی مسئولانه اندیشه‌ها، بر ضرورت تحقق «مشروعیت سیاسی» حکومت از طریق انتخاب مردم و برابری همه آنان در برابر قانون مشروط ساختن قدرت حکومت با قانون توزیع قدرت، عدالت اجتماعی و مانند این‌ها - تأکید می‌کرد و همه این‌ها با نظام شریعت فقهی و قدرت گسترده فقیهان در تعارض بود.

فقیهان بعد از مبارزه و مخالفت - آن گاه که راه به جایی نبردند - مجبور شدند برای آن چاره‌ای بیابند؛ لذا مشروعیت سیاسی را از مشروعیت دینی جدا کردند و اظهار داشتند «مشروعیت سیاسی» با انتخاب مردم حاصل می‌شود، اما «مشروعیت دینی» الهی است و هیچ ارتباطی با انتخاب مردم ندارد. راه تحقق مشروعیت الهی، این است که فقها به حاکم عرفی منتخب مردم اجازت حکومت دهند، آن را تأیید کنند و مشروعیت بخشند. مجدداً فقیهان برای خود و شریعت، در مقام حاکم بی‌گامی سرنوشت‌ساز می‌دیدند.

حکومت دینی در ایران، امری از آنجاکه برآمده از انقلابی است که به رهبری یک فقیه به پیروزی رسید، بیشتر بر محور وقف و مهادت احکام شرعی، قانونگذاری و اداره می‌شود. لذا مشروعیت آن را نیز باید بیشتر در فقه جستجو کرد؛ به همین جهت از مجوز اعمال حاکمیت فقیه با عنوان «ولایت فقیه» نام برده شده است. البته این «ولایت» به عنوان مفهوم سیاسی از قرن دهم مطرح است، آنگاه که نظریه «سلطنت مسلمان ذی شوکت (شاه شیعه) در عرفیات و فقیهان در امور شرعیه» از جانب فقها ارائه می‌شود. بعد از این نظریه «سلطنت مشروعه» تا قرن سیزدهم نظریه غالب است؛ گرچه گروهی از فقیهان همین قرن معتقد به ولایت انتصابی عامه فقها بودند.^۲ در قرن چهاردهم نظریه «نظارت و مشروطیت» مطرح شد.^۳ در قرن پانزدهم با تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران، نظریه بدیع «ولایت انتصابی» حلقه شکسته از جانب آیت‌الله خمینی مطرح و گفتمان غالب شد و بعد از یک دهه از انقلاب، این نظریه مبنای نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.^۴ در هر حال بحث ولایت فقیه یا فقها و تجویز اعمال طر و

۱. فقه‌های مشهور طرفدار این نظریه: علامه مجلسی، سید جعفر کشفی و شیخ فضل‌الله نوری هستند.

۲. قاتلان این نظریه: محقق کرکی، محقق اردبیلی، ملا احمد نراقی و شیخ جعفر کاشف الغطاء هستند.

۳. از مهمترین نظریه‌پرداز مشروطیت و نظارت فقها، علامه میرزا محمدحسین نائینی، در کتاب تبیة الامه و تزیه الملّه است.

۴. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۳۶۸ مبنای نظام، «ولایت فقیه» بود بدون قید «مطلقه»، بعد از تجدیدنظر به «ولایت مطلقه فقیه» تغییر یافت.

حکم، در چگونگی و مقدار آن؛ معرکه آراء در میان فقیهان بوده است؛ که آیا انتصابی است یا انتخابی؟ مطلقه است یا مقیده؟ دائمی است یا موقت؟ لذا لازم است هرچند به اختصار، درباره این ایده‌های مختلف بحث شود. درباره مشروعیت حکومت دینی، علاوه بر فقها؛ صاحب‌نظران علوم دینی، فلسفی و علوم سیاسی نیز نظر داده‌اند که از دید این نوشتار پنهان نمانده است.

در بحث از حکومت دینی در دنیای جدید، ناگزیر هستیم از رابطه آن با مقوله فربهی چون حقوق بشر نیز سخن به میان آورده و روشن کنیم که آیا حکومت دینی با وفاداری خود به فقه و اسلام نام شرعی فقهی، امکان رعایت مواد حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد را دارد یا خیر؟ حقوق بشری که مورد قبول و خواسته بیشتر مردم دنیاست به عنوان هنجار نظام دایمی و اصول است و بیشتر حکومت‌های جهان ولو در لفظ، ناگزیر از پذیرش آن هستند. جهان اسلام و حکومت‌های آن هرچند خود مدعی هستند که نیازی به حقوق بشر مصوب بین‌الملل ندارند، در دین اسلام بهترین حقوق آمده است، بیشترین مقاومت در برابر آن را بروز می‌دهند و سعی کرده‌اند در برابر حقوق بشر جهانی، برای خود حقوق بشر اسلامی وضع کنند؛ اما سیر پیشرفت جهان است، یافته و قدرت جوامع بین‌الملل اجازه نمی‌دهد که حکومت‌ها به صراحت، با حقوق بشر جهانی مخالفت کنند. مردم مسلمان نیز به سبب ارتباط با جامعه جهانی، خواستار رعایت مواد حقوق بشر برای خود هستند و معیار سالم بودن حکومت‌های خود را در سنجش با مراعات حقوق بشر می‌دانند. اینجاست که بحث از تطبیق حکومت دینی و حقوق بشر ضرورتی انکارناپذیر است.

لازم به ذکر است که این تحقیق در پی داوری نیست که کدام نظر و رأی صائب است و درست و کدام سقیم است و نادرست؛ بلکه نوشته حاضر جنبه توصیفی دارد و داوری را به خواننده سپرده است. همه سعی و تلاش نویسنده بر این است که در تقریر و تدوین نظرات و آراء مختلف، در حد بضاعت ناچیز خویش کوتاهی صورت نگیرد.